



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدین حفظه الله تعالی

موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر قرآن؛ تفسیر برخی آیات قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: حسن علی

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱

دلیل اینکه در آیه قرآن فرموده «اجتنبوا كثيرا من الظن»؛ «از بسیاری گمان‌ها» اجتناب کنید و برخی گمان‌ها را استثنا فرموده چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۲/۱۳

«ظن» به معنای احتمال غالب در اسلام دارای دو جنبه و حکم است: یکی جنبه و حکم وضعی که «عدم حجّیت» است و در سخن خداوند تبیین شده که فرموده است: **﴿إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾**^۱؛ «هرآینه ظن چیزی را از حق کفایت نمی‌کند» و دیگری جنبه و حکم تکلیفی که «عدم جواز» است و در سخن خداوند تبیین شده که فرموده است: **﴿اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾**^۲؛ «از بسیاری ظن‌ها اجتناب کنید؛ چراکه برخی ظن‌ها گناهند». این به معنای آن است که ظن در اسلام نه تنها حجّت نیست، بلکه گاهی حرام است و آن هنگامی است که «ظنّ سوء» به معنای «گمان بد» نامیده می‌شود؛ مانند «گمان بد» به خداوند که بدترین گمان‌هاست و درباره‌ی آن فرموده است: **﴿الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ﴾**^۳؛ «گمان‌برندگان به خداوند گمان بد را دوران بد برای آنان است» و فرموده است: **﴿وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ﴾**^۴؛ «و دسته‌ای نگران خویش شده‌اند، به خداوند جز حق را گمان می‌برند گمان جاهلیت را! می‌گویند آیا برای ما از این کار چیزی هست؟!» و فرموده است: **﴿وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ**

۱. یونس / ۳۶

۲. الحجرات / ۱۲

۳. الفتح / ۶

۴. آل عمران / ۱۵۴

الظُّنُونَا؛^۱ «و چون چشم‌ها خیره شد و دل‌ها به گلوها رسید و به خداوند گمان‌ها می‌بردید» و مانند «گمان بد» به پیامبر و مؤمنان که درباره‌ی آن فرموده است: **﴿بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيَّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ ظَنَ السَّوِّءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا﴾**؛^۲ «بل گمان بردید که پیامبر و مؤمنان هرگز به نزد خانواده‌هایشان باز نمی‌گردند و آن در دل‌هاتان آراسته شد و گمان بردید گمان بد را و گروهی بی‌خیر بودید» و مانند «گمان بد» به زنان پاکدامن که درباره‌ی آن فرموده است: **﴿إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾**؛^۳ «هرآینه کسانی که زنان پاکدامن بی‌خبر مؤمن را مته‌م می‌سازند در دنیا و آخرت لعنت می‌شوند و برایشان عذابی عظیم است» و فرموده است: **﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ﴾**؛^۴ «چرا هنگامی که آن را شنیدید مردان و زنان مؤمن به یکدیگر گمان خیر نبردند و نگفتند این تهمت‌ی آشکار است؟!» و فرموده است: **﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾**؛^۵ «و چرا هنگامی که آن را شنیدید نگفتید ما را نمی‌رسد که به این تکلم کنیم، (خداوند!) منزهی تو، این بهتان‌ی عظیم است؟!». پیداست که این دسته از گمان‌ها نه تنها حجیت ندارند، بلکه گناهند و از این رو، خداوند فرموده است: **﴿اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾**؛^۶ «از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید؛ چراکه برخی گمان‌ها گناهند»، در حالی که گمان‌های خوب هر چند شرعاً حجت نیستند، گناه محسوب نمی‌شوند و حتی می‌توان درباره‌ی برخی «موضوعات» به آن‌ها عمل کرد؛ مانند گمان عدالت به امام جماعتی که فسقی از او ظاهر نشده، با علم به اینکه ممکن است عادل نباشد و مانند گمان حلیت به گوشت گوسفندی که قصاب مسلمان عرضه کرده، با علم به اینکه ممکن است حلال نباشد؛ چراکه علم به واقع در این قبیل «موضوعات» غالباً غیر ممکن یا بسیار دشوار است و از این رو، عقلاً درباره‌ی آن‌ها تسامح می‌کنند و خداوند نیز به تسامح آنان درباره‌ی آن‌ها راضی است؛ چراکه تکلیف آنان به علم در این قبیل «موضوعات»، تکلیف ما لا یطاق یا مستلزم عسر و حرج است، بدون اینکه مقصر باشند، در حالی که خداوند فرموده است: **﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾**؛^۷ «خداوند کسی را جز به اندازه‌ی توانش تکلیف نمی‌کند» و فرموده است: **﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾**؛^۸ «خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما سختی نمی‌خواهد» و فرموده است: **﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ﴾**؛^۹ «خداوند نمی‌خواهد که بر

۱. الأحزاب / ۱۰
۲. الفتح / ۱۲
۳. التَّوْر / ۲۳
۴. التَّوْر / ۱۲
۵. التَّوْر / ۱۶
۶. الحجرات / ۱۲
۷. البقرة / ۲۸۶
۸. البقرة / ۱۸۵
۹. المائدة / ۶

شما حرجی قرار دهد؛ بر خلاف «احکام» که عمل به هیچ گمانی درباره‌ی آن‌ها جایز نیست؛ چراکه هیچ حکمی بدون علم به خداوند نسبت داده نمی‌شود؛ چنانکه فرموده است: **«أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»**^۱؛ «آیا به خداوند چیزی را نسبت می‌دهید که علم ندارید؟!» و تفاوتشان در این است که علم به «حکم» با بیان خداوند ممکن شده است و گمان به آن هرگاه نادرست برآید به دروغ بستن بر او و بدعت در دین بلکه گاهی کفر می‌انجامد، ولی علم به «موضوع» با توجه به نامحصور بودن آن ممکن نشده و گمان به آن -بر خلاف گمان به «حکم»- در مقام «امثال» است و هرگاه نادرست برآید به معصیت یعنی عمل بر خلاف «حکم» می‌انجامد که اگر از روی قصور باشد بخشوده است.

حاصل آنکه ظنّ به «حکم» برای اخذ به آن کافی نیست، ولی ظنّ به «موضوع» هرگاه جنبه‌ی شرعی نداشته یا با قصور از علم درباره‌ی آن همراه باشد، می‌تواند برای اخذ به آن کافی باشد، مشروط به اینکه «ظنّ سوء» محسوب نشود؛ چراکه «ظنّ سوء» نه تنها قابل اخذ نیست، بلکه گناه



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس شورای اسلامی خراسان



است.